



# بابک سردار جاویدان

می افتاد. تنها تغییرات سیاسی یا اجتماعی نبود که در برابر چشمان همگان حاصل می شد، بلکه نباید این حقیقت را قبول کنیم که انسانیت در سایه دین نوین «اسلام»، می خواست وارد عصر جدیدی بشود و از یوغ استعمارگران نجات یابد که بابک منادی چنین تفکراتی بود.

بنابر این، در روابط اجتماعی انسان ها با یکدیگر و

**بابک در آخرین لحظات حیات ارزشمند خود، در دل، گوهر الفاظ این بیت را - که غمناکه آن دل شکستگی بود - آرام آرام و با الهام از عکسب انسان ساز تشیع، زمزمه می کرده است: به تیغ ظلم مرا می کشی و خواهی دید که عاقبت چه کند با تو خون ناحق من**

وارد کردن آن به مرحله نوین و معقول، انقلابی بیش آمده بود که مؤسس و راه انداز و اداره کننده آن ملت ایران به ویژه آذربایجان بود. وگرنه چگونه ممکن بود که ملتی زجر کشیده در مقابل قدرت مطلقه خلفای عباسی مقاومت کنند؟ آری این مکتب تشیع بود که ملت پابرهنه را علیه دیکتاتوری عباسی به قیام و استقامت تشویق می کرد. انقلابی که بابک روستا زاده بزرگ شده در محروم ترین منطقه آذربایجان، آن را رهبری می کرد، دود درون دل سوختگانی بود که عاقبت سرزده بود، و ملت محروم، به جای بابک هر کسی هم بود با شرایط رهبری، بالاخره قبول می کرد و فرمان او را گردن می نهاد. زیرا، سکوت و گمنامی و بی تفاوتی، دیگر نه تضمینی داشت و نه مفهومی، چون حاکمیت وضعی را پیش آورده بود که به قول «هوک»، «تمام پناهگاه های روحی، ویران شده بودند». از طرفی چون در روحیه آذربایجانی نسبت به قهرمانان و دلاور مردان، همیشه علاقه ای وجود دارد، به طور طبیعی و آزادانه، ملت ظلم ستیز ایران، در آن دوران، بابک را به رهبری قیام خود انتخاب کرد و به دور شمع وجودش گرد آمد.

برابر نوشته تاریخ نویسان، از جمله «هاجی خلیفه» و «ابن کثیر»، ظهور خرم دینان در سال ۱۹۲ هـ. ق. «در جبال آذربایجان» و ظهور بابک، در سال ۲۰۱ هـ. ق. می باشد. ما در این مختصر به تبار بابک و زندگی خصوصی وی و حتی درباره معتقدات بابک کاری نداریم و مشروح جریان را احاله می کنیم به کتابی که در این رابطه زیر چاپ است.

اما به طور فشرده باید گفت که اکثر نویسندگان از هر حیث در حق بابک کم لطفی کرده اند و حتی گاهی هوای نفس، عنان از کف تقوا ربوده و به خاطر دفاع از عقاید سست و بی پایه ای نسبت به ماهیت دستگاه خلافت و جستن سود شخصی و از روی تعصبات مذهبی و ملاحظات سیاسی، یک جانبه قضاوت کرده اند و بابک را «عصیان کننده علیه خلیفه مسلمین» و «اعتراض کننده

## محمد حافظزاده

عناوینی اظهار وجود کرده و حرکت هایی علیه حاکمان وقت راه اندازی کرده بودند.

بنا به نوشته «نظام الملک» و دیگران، آنان در سال ۱۶۲ هـ. ق. در حدود اصفهان و گرگان بیرون آمده اند و با حاکمان باطل به نبرد پرداخته اند، محدوده فعالیت های مبارزاتی خرم دینان و سرخ پوشان، منحصر به آذربایجان نبوده است. اما در زمان بابک، در اثر سلطه عمال خلیفه بر مردم ایران و ستم هایی که از سوی دربار بر مظلومان و محرومان و کشاورزان بخصوص طبقه مستضعف می رفت، این نهضت با رهبری مردی بسیار شجاع و قاطع و سازش ناپذیر یعنی بابک، در لافه دیگر، شکل ویژه ای به خود گرفت و متشکل تر از گذشته به میدان آمد و اکثریت مورد توجهی را شیفته خود ساخت و عده زیادی را به قیام علیه هسته مرکزی خلافت به سلطنت تبدیل شده عباسی واداشت. وضع تأسف بار اقتصادی کشور، توقیف و تصرف اراضی کشاورزی کشاورزان توسط عمال حکومتی، پایمال شدن فرهنگ ایرانی به ویژه فرهنگ آذربایجان، از میان رفتن حقوق حقه مردم، و... از مسائلی بود که زمینه های این انقلاب را فراهم آورد. به قول «آندره»، «به خوبی می دانیم که آزادی فکری، بدون

## آزادی

اقتصادی وجود پیدا نخواهد کرد». تازیان اشغالگر با سوء استفاده از نام اسلام، وضعی پیش آورده بودند که آذربایجانی آگاه و روشن فکر، لوٹ شدن فرهنگی غنی و کهن خود و بردگی در مقابل بیگانگان را، آشکارا نظاره گر بود، در حالی که همه این نابرابری ها و ناهمواری ها، در آیین اسلام محکوم است و با عرق ملیت آذربایجانی نیز، سازش نداشت. زیرا، آذربایجانی با صراحت می گفت: «قبل از هر چیز، ما دوست نداریم که پیرو و ابسته به دیگران باشیم».

نوشته بلاذری در رابطه با کوچ تازیان به ایران و اسکان آنان در آذربایجان و تصرف اراضی زراعی روستاییان توسط اعراب، بسیار جالب توجه و ارزنده است.

«حسین بن عمرو به نقل از واقد گوید که چون تازیان در آذربایجان منزل گزیدند و هر طایفه ای بر آنچه توانست چیره شد. برخی از ایشان نیز زمین های عجمان را بخریدند و قریه هایی به تازیان واگذار شد تا تحت حمایت ایشان باشد و اهل آن قری، خود مزارع آنان گشتند».

دیکتاتوری که بر طبقه محروم جامعه از سوی حاکمان جور اعمال می گردید، جامعه نیازمند مصلح صالحی بود که مردم شب و روز در انتظارش بودند. نتایج آن همه زیر و رو شدن اوضاع جامعه، به اندازه ای سریع پیش می آمد که گویی از سیر طبیعی زمان هم، پیش تر

در دوران خلافت امویان و عباسیان جنبش های مختلفی در جای جای کشور ایران اسلامی، به وقوع پیوست و دستگاه خلافت را به لرزه انداخت، که از قوی ترین و مقاوم ترین این نهضت ها می توان نهضت «سرخ جامگان» یا «الحمراء» را نام برد.



سرخ پوشان ایرانیانی بودند در جنگ های صدر اسلام و فتح ایران حضور داشتند و سپس در شهرهای مختلف از جمله «کوفه» ماندگار شده بودند و مدام از تشیع و شخص امیرالمومنین علی (ع) دفاع می کردند که این حرکت ها و محبت های آن بزرگوار نسبت به آنان موجب گردید تا سرخ جامگان شور و هیجان زاید الوصفی در نهضت خون خواهی ابا عبدالله الحسین (ع) که به رهبری «مختار بن ابو عبید ثقفی» آغاز شده بود شرکت کنند. برابر نوشته مورخان به ویژه «دینوری» بیشترین شرکت کنندگان در این نهضت را ایرانیان بخصوص آذربایجانی هایی که به سرخ جامگان معروف بودند، تشکیل می دادند.

پس از گرفتاری مختار، سرخ جامگان به آذربایجان بازگشتند و به تدریج انقلاب هایی علیه دستگاه خلافت وقت و به طرفداری از تشیع راه انداختند که مهم ترین این انقلاب ها و قیام ها، انقلاب گسترده و سازش ناپذیری بود که خرمیان با همان «سرخ جامگان» به اضافه دیگران به رهبری «بابک» آغاز شدند و بیش از ۲۲ سال، دستگاه خلافت عباسی را به لرزه درآوردند.

**آنهايي که در راه تسخير يک شخصيت بابکن، راه افراط را پيموده اند، گاهی هم - دانسته یا ندانسته - از ذکر حقایقی مضایقه کرده اند، به طوری که عده ای از نویسندگان، به ویژه «ابن حوقل» می نویسند که «خرمیان در جبال و روستاهای خود، مساجد احداث کرده اند و در آن مساجد، اذان گشته می شود، و در مساجد آموزش قرآن دایر است».**

برابر نوشته مورخان، خرمیان قبل از بابک نیز، به